

بررسی درون مایه‌های عرفانی در ادبیات پایداری در شعر

طاهره صفارزاده و بشری البستانی

بهنام فعلی^۱عنایت الله فاتحی نژاد^۲لطیفه سلامت باویل^۳

چکیده

عرفان و تصوف یکی از مکاتب اسلامی است که از اسلام ریشه دارد و در طول تاریخ اسلام طرفداران زیادی داشته و هم اکنون هم دارد و نه تنها در اندیشه بلکه در حرکت‌های جهادی و پایداری و گاه در قالب گروه‌های مبارز با به عرصه وجود گذاشته است. در ادبیات معاصر فارسی و عربی، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های ادب عرفانی و پایداری در شعر بشری البستانی و طاهره صفارزاده الگوهای مهم در ترکیب این دو حوزه ادبی است. بشری البستانی شاعره معاصر عراقی از جمله شاعرانی است که بخش بسیاری از اشعارش را به مفاهیم و مؤلفه‌های ادبیات پایداری و در عین حال زبان و درون مایه‌های عرفانی اختصاص داده و طاهره صفارزاده از جمله شاعران معاصر ایرانی است که به عنوان یک شاعر انقلابی بخش مگتنمی از اشعارش را به مفاهیم ادبیات عرفانی اختصاص داده است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به مطالعه و تحلیل مؤلفه‌های عرفانی در شعر شاعران ادب پایداری چون بشری البستانی و طاهره صفارزاده می‌پردازد.

کلید واژه‌ها:

پایداری، عرفان، بشری البستانی، طاهره صفارزاده.

^۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران - مربی زبان و ادبیات عرب دانشگاه پیام نور.

^۲ - دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول:

fatehieenayat@ymail.com

^۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

پیشگفتار

توجه به ادبیات عرفانی پایداری و آشنا ساختن هر فرد به مفاهیم، الگوها و موارد مربوط به آنها یکی از بایسته‌ترین و ارزشمندترین وظایفی است که هر ملت و قومی باید به آن بپردازد. چنانچه می‌دانیم ملتها هر یک به گونه‌ای می‌کوشند که به این موارد بجا و اندیشیده توجه کنند. شاعران و نویسندگان متعهد در کنار مردم، خواهان عدالت و آزادی بوده و با سرودن و نوشتن چکامه‌ها مردم را تشویق کرده و دلاوریهای مبارزان را ثبت نمودند. دو ادبیات کهن و پرسابقه فارسی و عربی، از مهمترین ادبیاتهای تمدن بشری به شمار می‌آیند. این دو ادبیات در کلیت خود، هر نوع و گونه ادبی را در خود جای داده‌اند و در طول تاریخ پربار خود، آن را آزموده‌اند. به همین دلیل وقتی صحبت از ادبیات عرفانی و پایداری به عنوان یک نوع خاص ادبی به میان می‌آید، بدون شک در شکل کلی و عام خود، در متون این دو زبان از گذشته تا حال وجود داشته است. شعر معاصر عربی و فارسی شباهتهای بسیاری دارند. مفاهیمی همانند ایثار، عشق، ظلم‌ستیزی، توصیف شهادت، آزادیخواهی و ... این دو جریان شعری را به هم نزدیک کرده است. در این میان بشری البستانی و طاهره صفارزاده از جمله شاعران مقاومت عراق و ایران هستند که عدل‌عین انقلابی بودن، به خوبی موقیعت و وضعیت جامعه خود را درک کرده‌اند و باتسلط بر زبان و ادبیات کلاسیک خویش، نمودهای عرفانی فرهنگ اسلامی را در اشعار خود منعکس ساخته‌اند. این پژوهش به دنبال آن است تا درونمایه‌های عرفانی این دو شاعر پایداری را در شعر این دو شاعر به بوته تطبیق بکشاند و در کنار ارج نهادن به صلابت و صفای کلام این دو شاعر، به واکاوی اندیشه‌ها و افکار آنها بپردازد.

بیان مسأله

ادبیات تطبیقی با رویکرد، تأثیر و تأثرهای متقابلی که فرهنگ و ادبیات ملل مختلف بر یکدیگر داشته‌اند، میزان تأثیر و تأثر ادبیات عربی و فارسی از همدیگر، امری است که بر هیچ محقق کاوشگری در عرصه‌ی ادبیات فارسی و عربی پوشیده نیست. و در همین راستا نام دو شاعر خوش ذوق فارسی و عربی، طاهره صفارزاده «شاعر معاصر ایرانی» و بشری البستانی «شاعر مقاومت عراقی» در شعر معاصر عربی می‌درخشد؛ شاعرانی که در مجموعه‌های شعری خود به مفاهیم پایداری و عرفانی بیش از هر مضمونی توجه داشته‌اند و همواره با رویکرد آگاهی بخشی به ملت، و بیداری اسلامی، عدالت-جویی، به رسالت شعری خویش پایبند بوده‌اند و با عناصر تصویرگری شعری بدان مفاهیم عرفانی و پایداری رنگ و لعاب تازه‌ای داده‌اند. محقق در ساله حاضر در تلاش

است تا با بررسی بن‌مایه‌های عرفانی در اشعار دو شاعر هم‌عصر «بشری البستانی و طاهره صفارزاده» به اشتراکات این دو شاعر نوپرداز پردازد و این جستار به پیوندهای ادبی و فرهنگی نزدیکی نزد زنان ایران و عراق اشاره دارد. با توجه به اینکه بشری البستانی و طاهره صفارزاده به عنوان پرچم داران زنان در دو ادب معاصر فارسی و عربی در سرزمین خویش هستند وجود پژوهش مستقلی در این باب برای پژوهشگران فارسی و عربی زبانان مفید خواهد بود.

۲-۱. پیشینه تحقیق (سوابق مطالعاتی)

با توجه به جستجوهای که در پایگاه‌های اینترنتی ایران داک و دیگر سایت‌ها صورت پذیرفته است، و تاکنون در این موضوع هیچ تحقیق مستقلی انجام نشده است. در همین راستا مقالاتی که از جنبه تحلیلی در دیگر مضامین این دو شاعر نگاشته شده است به شرح ذیل است: مقاله‌ای با عنوان «مظاهر آدب المقاومة فی شعر بشری البستانی» نویسنده: اصلانی، سردار؛ کهوری، محسن غلامحسین؛ مجله: لسان مبین، بهار ۱۳۹۵ - شماره ۲۳، صص ۱ - ۲۲. پژوهشی دیگر با موضوع «شعر - شناخت طاهره صفارزاده» نویسنده: اسماعیلی، رضا؛ مجله: شعر «تابستان ۱۳۸۵ - شماره ۴۸ (۳) صفحه - از ۶۴ تا ۶۶) تحلیل مولفه‌های ادبیات پایداری در اشعار طاهره صفارزاده نویسنده: غنی پور ملک‌شاه، احمد؛ خلیلی، احمد؛ مجله: ادبیات پایداری، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، سال چهارم - شماره ۷، صص ۱۳۹ - ۱۷۶ منتشر شده است. پایان نامه‌های که درباره هر دو شاعر دفاع شده است به شرح ذیل است: «بررسی فرآیند نوستالژی در اشعار طاهره صفارزاده و سیمین بهبهانی»، استاد راهنما: علیرضا محمودی، استاد مشاور: احمد سنچولی، پدیدآور: پروانه بهنیا دانشگاه زابل - دانشکده ادبیات و علوم انسانی. در سال ۱۳۹۳ دفاع شده است. لذا در هیچ کدام از مقالات فوق‌الذکر به موضوع این رساله پرداخته نشده است.

۲. ادبیات نظری پژوهش

۲-۱. عرفان و مبارزه اجتماعی

عرفان در لغت به معنای شناخت و شناسایی است و در اصطلاح، معرفت قلبی است که از طریق کشف و شهود حاصل می‌شود. کسی را که واجد مقام عرفان است، عارف و دانشی را که مبتنی بر عرفان است، معرفت می‌خوانند. (انصاری، ۱۳۷۸: ۹) در توصیفی دیگر، عرفان به معنی «شناخت و آگاهی و درایتی است که بعد از جهل و نادانستن به دست می‌آید و یاد کردنی است که بعد از فراموشی حاصل گشته باشد و در اصطلاح معرفت قلبی و شناخت خدای و عبادت عاشقانه وی است.» (حائری، ۱۳۸۶: ۷)

عرفان [و تصوف] در بسیاری از اقوام و ملل و مذاهب مختلف جهان و حتی مکاتب فلسفی شایع و رایج است و مکتبی تأثیرگذار در زبان و اندیشه، در تاریخ، فرهنگ و ادبیات اسلامی بوده است. عرفان شناختی حقیقت‌گرایانه و تلاشی عمل‌گرایانه فراتر از واقع‌گرایی حسی - عقلی و آرمان‌گرایی تصویری است از این‌رو این مرام با رازگونی و غیب‌باوری آمیخته از «عشق» و «ذوق» و «اشراق» همراه است. نوعی روش برای حصول به حقیقت است که بر این فرض بنا شده است که عقل و حواس پنجگانه به دلیل خطاهای ادراکی قابل اتکا نیستند و به تنهایی قادر به درک حقیقت نمی‌باشند و از این رو به نوعی تلاش برای ادراک بی واسطه حقایق نیاز است که بدان عرفان می‌گویند.

بسیاری از صوفیان بزرگ از همان سال‌های نخستین همواره در حفظ سرحدات بلاد اسلامی در برابر هجوم دشمنان شرکت داشته‌اند. عارفان پیشین بر این باور بودند که جهاد را سه رکن است با دشمن به تیغ؛ و با نفس به قهر و با دیو به صبر. مجاهدان به تیغ یه اند؛ کوشیده‌م‌آجور، خسته مغفور و کشته شهید. (خواجه عبدالله انصاری، ۳۰، ۱۳۹۱)

۲-۲. بشری البستانی

بشری البستانی یکی از شاعران زن عراق می‌باشد که در جنبشهای فرهنگی و ادبی توانسته است به دستاوردها و نوآوریهای مهمی دست پیدا کند که حاصل تجربه اجتماعی و فرهنگی شاعر با تجربه زندگی روزمره وی می‌باشد. ایشان در شهر تاریخی موصل در سال ۱۹۴۹ متولد شد. وی در محیطی که شیفته دین و علم و ادب بود، قرآن را از والدین خود آموخت. از همان کودکی قرآن را حفظ نمود. وی چهارمین فرزند خانواده بود. بشری در خانواده‌ای که سرشار از عشق و دارای ایمانی راسخ بوده پرورش یافت. شاعر از اوایل دوران کودکی به دنبال مطالعه و کتاب بود و برای مطالعه به همه جا سرک می‌کشید. مادر وقتی این علاقه شدید به مطالعه را در بشری می‌دید، او را از کارهای منزل عفو کرده بود. مادر بشری این عشق و همراهی با کتاب و پیشرفت فرزندش را دوست می‌داشت. بشری دوران تحصیلی ابتدایی و راهنمایی را در شهر موصل گذراند و دوران نوجوانی به فراگیری قرآن کریم و حدیث پرداخت. او در این مرحله به خواندن تاریخ اسلام و همچنین کتاب «المنتخب من أدب العرب» طه حسین و دیگر نویسندگان مباردت ورزید. سپس شروع به خواندن نمونه‌هایی از شعر جاهلی و اسلامی و اموی و عباسی نمود. وی در مرحله متوسطه، اشعار نازک الملائکه، فدوی طوقان و سیاب را مطالعه می‌کرد. همچنین در این مرحله به عنوان رئیس مجله مدرسه، با عنوان «قدس» انتخاب شد، و همچنین مقالات فراوانی در روزنامه «فی العراق» برای او به چاپ رسید. (موقع الشاعره <https://bbustani.net>) بشری البستانی در سال ۱۹۹۰ مدرک دکتری را

از دانشگاه موصل اخذ نمود و در سال ۱۹۹۸ لقب استاد دانشگاه موصل را دریافت کرد. وی در سال ۲۰۰۰ درجه استاد اول در دانشکده ادبیات موصل را کسب کرد. (همان)

بشری البستانی از استادان و پژوهشگران برجسته در زمینه شعر معاصر و نقد ادب عربی و غربی به شمار می‌رود که در بسیاری از مجلات کشورهای عربی به عنوان عضو هیأت تحریریه و سردبیر مجلات به فعالیت خود ادامه می‌دهد. وی همچنین در لندن سردبیری مجله «دراسات فی اللغة و الأدب و النقد» را به عهده دارد. (البستانی؛ ۲۰۱۱: ۶۵)

آثار شعری بشری البستانی عبارتند از:

- مابعد الحزن (دارالنهضة، بیروت، ۱۹۷۳)
- الأغنیة و السکین (وزارة الثقافة، بغداد، ۱۹۷۶)
- أنا و الأسوار (جامعة الموصل، ۱۹۷۸)
- زهر الحدائق (وزارة الثقافة، بغداد، ۱۹۸۴)
- أقبل كف العراق (وزارة الثقافة، بغداد، ۱۹۸۸)
- البحر يصطاد الضفاف (وزارة الثقافة، بغداد، ۲۰۰۰)
- ما تركته الريح (منشورات إتحاد كتاب العرب، دمشق، ۲۰۰۱)
- مكابدات الشجر (وزارة الثقافة، بغداد، ۲۰۰۲)
- أندلسیات لجروح العراق (المؤسسة العربية للدراسات و النشر، بیروت، ۲۰۱۰)
- مخاطبات حواء (دارالشمس، القاهرة، ۲۰۱۰)
- مواجع باء- عین (دار مجد لاوی، عمان، ۲۰۱۱)
- کتاب الوجد (دار فضاءات، عمان، ۲۰۱۱)
- خماسیات المحنة (دار فضاءات، عمان، ۲۰۱۱)
- الأعمال الكاملة (جامعة الموصل، بغداد، ۲۰۱۱)

علاوه بر اینها برخی از کتابهای شعری بشری البستانی به انگلیسی ترجمه شده است؛ از آن جمله کتاب «شعر معاصر من العراق لبشری البستانی» در سال ۲۰۰۹ میلادی توسط وفاء عبداللطیف و سناء الظاهر ترجمه شد و انتشارات میلن پرس آن را منتشر کرد، و نیز مجموعه شعری «أندلسیات لجروح العراق» به زبانهای انگلیسی و فرانسوی و اسپانیایی ترجمه شده است. (البستانی؛ ۲۰۱۱: ۶۴۵)

۲-۳. طاهره صفارزاده

طاهره صفارزاده شاعر، نویسنده، محقق و مترجم در ۲۷ آبان ۱۳۱۵ در سیرجان در خانواده‌ای متوسط که پیشینه‌ای عرفانی داشتند متولد شد. در ۶ سالگی تجوید و قرائت و حفظ قرآن را در

مکتب محل آموخت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کرمان گذرانید. (حسین زاده بولاقی، ۱۳۸۷: ۹۹)

صفارزاده نخستین شعر را در ۱۳ سالگی سرود که نقش روزنامه دیواری مدرسه شد. اولین جایزه شعر را که یک جلد دیوان جامی بود در سال چهارم دبیرستان به پیشنهاد دکتر باستانی پاریزی که آن زمان از دبیران دبیرستان بهمنیار بود، از رئیس آموزش و پرورش استان دریافت کرد. نزد ملت ایران شهرت طاهره صفارزاده با شعر «کودک قرن» پدید آمد. در امتحان ورودی دانشگاه در رشته‌های حقوق، زبان و ادبیات فارسی، و زبان و ادبیات انگلیسی قبول شد و چون تردید در انتخاب داشت خانواده‌اش به استخاره رجوع کردند و در نتیجه در زبان و ادبیات انگلیسی لیسانس گرفت. مدتی به عنوان مترجم متون فنی در شرکت نفت کار کرد و چون به دنبال یک سخنرانی در اردوی تابستانی فرزندان کارگران مجبور به ترک کار شد، برای ادامه تحصیل به انگلستان و سپس به آمریکا رفت. در دانشگاه آیووا، هم در گروه نویسندگان بین‌المللی پذیرفته شد و هم به کسب درجه MFA نایل آمد. MFA درجه‌ای مستقل است که به نویسندگان و هنرمندانی که داوطلب تدریس در دانشگاه باشند اعطا می‌شود و نویسندگان به جای محفوظات و تاریخ ادبیات به آموختن نقد به صورت تئوری و عملی و انجام پروژه‌های ادبی متنوع مطالعات وسیع درباره آثار نویسندگان و شاعران می‌پردازند. دوره آن یک سال بیش از فوق لیسانس است و استخدام دارنده این مدرک در دانشگاه‌های آمریکا با پایه دکتری انجام می‌پذیرد. (صفارزاده؛ ۱۳۵۷، ۳۲)

صفارزاده حدود ۳ سال بعد در کنار نویسندگان دانشجوی به بهره‌مندی‌هایی از این آموزش جدید دست یافت. کتاب «سفر پنجم» او که دربرگیرنده اشعار مقاومت با مضامین دینی است در سال ۵۶ در دو ماه به سه چاپ با شمارگان سی هزار رسید. (رفیعی؛ ۱۳۸۶، ۳۸) تاکنون علاوه بر مقالات و مصاحبه‌های علمی و اجتماعی از طاهره صفارزاده بیش از ۱۴ مجموعه شعر و ۱۰ کتاب ترجمه یا درباره نقد ترجمه در زمینه‌های ادبیات، علوم قرآنی و حدیث منتشر شده و گزیده سروده‌های او به زبانهای گوناگون جهان ترجمه شده‌اند. (آرمین؛ ۱۳۸۳، ۲۱) سرانجام طاهره صفارزاده به سال ۱۳۸۷ ش درگذشت.

وی در کتاب «ترجمه‌ی مفاهیم بنیادی قرآن مجید» به کشف یکی از کاستی‌های مهم ترجمه‌های فارسی و انگلیسی - یعنی عدم ایجاد ارتباط نامهای خداوند (اسماءُ الحسنی) با آیات قرآن - دست یافته است که این تشخیص می‌تواند سرآغاز تحولی در ترجمه کلام الهی به زبانهای مختلف باشد. ضمن برنامه‌ریزی زبانهای خارجی، به پیشنهاد او درسی با عنوان «بررسی ترجمه‌های متون اسلامی» در برنامه گنجانده شد و تدریس این واحد درسی موجب توجه این استاد ترجمه به اشکالهای معادل

یابی ترجمه‌های فارسی و انگلیسی قرآن مجید گردید. (آرمین و دیگران؛ ۲۲، ۱۳۸۸) او که چند سال قبل از ترک ایران، مطالعاتی را در زمینه بافتن یک زبان خاص شعری آغاز کرده بود، در آمریکا نیز به طور جدی و مستمر به این کار ادامه داد و به یک سلسله تعاریف و نظریات جدید در زمینه هنر و به ویژه شعر رسید. نخستین نمونه این قبیل شعرهایش که در محافل شاعران خوانده شد، توجه همه را جلب کرد و او در مدتی کمتر از دو سال به شهرتی قابل توجه رسید، شاعران و نویسندگان برجسته و متعهد، با تواضع و ستایشی خاص با شعر او مواجه می‌شدند. شمار بسیاری از اشعار این مجموعه به زبانهای مختلف - از فرانسه، آلمانی، اسپانیولی و عربی گرفته تا چینی، ژاپنی و اردو - ترجمه شده است. در مجموع، انتشار این اثر نقطه عطف ارتباط ادبی متقابلی بود که تاکنون نیز ادامه دارد. (رفیعی؛ ۱۳۸۶، ۳۸)

مجموعه‌ی آثار طاهره صفارزاده به ترتیب به زمانی به شرح ذیل می‌باشد،

الف) قصه

پیوندهای تلخ، ۱۳۴۱ (چاپ اول)

ب) کلیات شعر

ج) کتاب‌های حوزه ترجمه

اصول و مبانی ترجمه: تجزیه و تحلیلی از فن ترجمه ضمن نقد عملی آثار مترجمان (۱۳۵۸)، ترجمه‌های نامفهوم (۱۳۸۴)، ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید (فارسی و انگلیسی) (۱۳۷۹)، ترجمه قرآن کریم (دو زبان؛ متن عربی با ترجمه انگلیسی) (۱۳۸۵) (زرقانی، ۱۳۸۳: ۶۷۰ - ۶۷۱).

۳. درون مایه‌های عرفانی در اشعار بشری البستانی

اگرچه در لابلای اشعار این شاعره بزرگ عرب می‌توان درون مایه‌های عرفانی را به وفور یافت، اما شاهکار عرفانی وی کتاب الوجد است.

مجددی ممدوح از نقادان ادبیات عرب، در مقاله‌ای با عنوان "کتاب الوجد" بشری البستانی... الاحتفاء بالاختلاف، ضمن اشاره به زبان خاص و رمزآلود بشری البستانی، می‌نویسد: «در اینجا با اصطلاح "وجد" آشنا می‌شویم که بوشرا عنوان عنوان جدید و برچسب خورده خود را انتخاب کرده است، "کتاب یافتن. هرچه جستجو کنیم معادل معنایی یا بدیل آن است، حتی یک دهم انرژی آن را پیدا نمی‌کنیم. مؤلفه‌های ساده آن نماینده است، و ما اطمینان داریم که بوشرا از این پس از اصطلاح جمع در متن‌های جدید خود استفاده خواهد کرد، اما باید توجه داشته باشیم که این کلمه هر کجا که از این پس ظاهر شود، یک کد را نشان می‌دهد که به کل فضای متن موجود در

کتاب هستی باز می‌شود، این بیان سند چشم انداز از شاعر است. « او در ادامه می‌گوید: بشری البستانی أدركت بما يشبه الإلهام ان المتصوفة اصطدموا بأسوار اللغة المنيعه..... بشرا البوستاني با نوعی الهام فهمید که صوفیان با دیواره‌های زبان غیر قابل نفوذ برخورد می‌کنند و آنها فهمیدند که این زبان با معانی لغوی خود تمام تلاش‌های خود را برای بیان شرایطی که محاصره می‌کند و پرواز قلب‌ها و آتش زدن قلب‌ها، شرایط بارور را تا حد تضاد ختنی می‌کند، و اغلب اوقات می‌خوانیم که عبارات صوفیان مانند " او تا زمان مرگ وجود داشت " است، " این یک واقعیت است و مجازی نیست و فقط با خبر از تجربه صوفیان درک می‌شود، و اگر صوفیان قادر بودند حالت وجد را بیان کنند جاودان می‌ماندند، این احساسی است که شبیه دیگ است که از تناقضات عبور می‌کند.»

مجددی ممدوح، شعر صوفیانه البستانی را نوعی اعتراض در برابر بی عدالتی‌ها قلمداد می‌کند: إذن جاء ارتحال بشری نحو التصوف كنوع من التوسع النوعی العمودی.... بنابراین، گرایش بشری به سمت تصوف، نوعی گسترش کیفی عمودی بود و در مقدمه کتاب الوجد ذکر شده است که سفر او به تصوف به نوعی همسویی در برابر بی عدالتی بود، زیرا مشهور است که ظهور تصوف در میراث ما به مثابه حراج است. در لذت‌ها و حواس، غارت پول عمومی و محرومیت از انبوه مردم وجود داشت و استفاده از این وجوه در لذت‌های نفسانی، بی عدالتی نوعی حس در میراث عربی ما بود و این یک پیوند تاریخی است و نه پیوند مفهومی، به این معنی که مفهوم حس لزوماً به مفهوم بی عدالتی اشاره نمی‌کند، و شواهدی از این بدان دلیل است که بی عدالتی به تفکر غربی مربوط نمی‌شد مگر با هزاران نفر آرمانگرایی اتخاذ شده توسط طبقه سرمایه دار مسلط به واقعیت غایب، و مقاومت در برابر این بی عدالتی ماهیت واقعی مادی گری بود همانطور که در مارکسیسم دیدیم که به عنوان اندیشه‌ای کاملاً ماتریالیستی برای مقابله با بی عدالتی پشتیبانی شده از ایدئالیسم آمده بود، بنابراین به یک سفر خیرخواهانه به سمت بیان صوفیانه به عنوان اعتراض به تسلط حس و گسترش توخالی افقی آن بر سر ناحیه وجود ما آمد. و او به سمت پسوند عمودی کیفی رفت. بوشرا از تجربیات صوفیانه و تکنیک‌های آن در بیان شرایط عاطفی با شدت بی سابقه بهره مند شد.... (در کتاب الوجد احتیاج داریم) به یک واژه نامه از اصطلاحات صوفیانه، بنابراین می‌بینیم که متن آنها محدود است از معانی و شرایط غافلگیر است و این گرایش و شدت عرفانی با بیان بسیار واضح در کتاب الوجود نظارت می‌کنیم و مطمئناً می‌توانیم از یک ورودی انتقادی متفاوت برای پیدا کردن به جز ورودی صوفی که انتخاب کردیم.

کتاب الوجد يقدم مقاربه غير تقليدية للحب , بل يمكن القول بدون تعسف انه يقدم نظرية جديدة في الحب... کتاب الوجد یک رویکرد غیر تقلیدیة للحب , بل يمكن القول بدون تعسف انه يقدم نظرية جديدة في الحب... کتاب الوجد یک رویکرد غیر متعارف به عشق ارائه می‌دهد، اما می‌توان بدون

دلخواه گفت که تئوری جدیدی را در عشق مطرح می‌کند، نظریه‌ای مبتنی بر تفاوت و می‌دانیم که تفاوت در فرهنگ عربی ما جشن نمی‌گیرد، اما کتاب وجود می‌بیند که بذر عشق پدیدار نمی‌شود و به جز تفاوت بوجود نمی‌آید:

أما أنا

فلا أدخلك جنتهم

لا أدخلك في الأشباه والنظائر

بل أدخلك في الأضداد

لا أدخلك في الائتلاف

بل أدخلك في الاختلاف

في اختلافي أنا

في توحدي

وانصياعي وجبروت وجدی

وسطوة الأشياء إذ تصهل داخلی

در مورد من شما را به بهشت آنها نمی‌رسانند شما را در لایک و ایزوتوپ قرار ندهید این شما را در تقابل قرار می‌دهد خود را وارد ائتلاف نکنید حتی شما را به اختلاف تبدیل کرده است در تفاوت من هستم در اوتیسم و از من پیروی کن استبداد پدربزرگم و قدرت چیزهایی که به درون من می‌رسند بشری البستانی لا تنکر هذه الحقيقة ولا تمیل للتدليس لتقدم لنا صورة متفائلة عن الحب بل أنها تقول من غير مواربة او تدليس، أهذه امرأة / أم جنه من جحيم
بشرا البستانی این واقعیت را انکار نمی‌کند و تمایل به فریب دادن ندارد تا تصویری خوش بینانه از عشق را به ما ارائه دهد، بلکه بدون تهمت و قلب می‌گوید:

این یک زن است

یا بهشت از جهنم

نعم الحب هو جنه من جحيم... بله، عشق بهشتی از جهنم است و حقیقت این است که عاشقان و عاشقان از راه‌های بسیار غیر معمول توانستند با این مشکل دلخراش عشق کنار بیایند.
یچیلنا کتاب الوجد بطریقه ما إلى العیش... تقول بشری: حبی لک.. / کنعیم أهل الجنة یتجدد ولا ینفد

به نوعی، کتاب وجد ما را به زندگی در خارج از زمان ارجاع می‌دهد، وقتی می‌خواهیم عشق را حفظ کنیم. زمان منبع بدبختی است و این داس است که وجود ما را درو می‌کند و خارج از زمان در

اینجا به معنای بهشت در کتاب وجد است. بوشرا می گوید:

عشق من برای تو.. /ماننددرجۀ بالای نعیم برای بهشتیان است. /تجدید می شود و تمام نمی شود
وبدو آن کتاب الوجد حدس هذا الوضع الكارثي...، تقول بشري في المفتح:
أيتها الحالات... /أيتها اللهفات... /أيتها المواجد... /الحب في بلاء،

به نظر می رسد که کتاب الوجود شهود این وضعیت فاجعه بار است که عشق در همه موارد منحرف می شود، بنابراین می بینیم که افتتاحیه یک نگاه شهودی و قدرتمند ارائه می دهد که بیشتر شبیه احساس اولین برداشت است که همیشه صادقانه است، زیرا کسی که آن را باز می کند منجر به همه چیز می شود.

ای حالات واحوال(عرفانی)... /احساسات/ای افتخارات /عشق در آفت وبلاست(عشق باغم وبلا توأم است).

عصام شرتح (۲۰۲۰)، در مقاله ای باعنوان «الرؤيا الجمالية في شعر بشري البستاني» می گوید: «لازم به ذکر است که زیبایی که بینش عرفانی ایجاد می کند - در اشعار بشرا البستانی - به آن قدرت، تمایز و تنوع معنایی می بخشد، به ویژه هنگامی که با تصاویر و انتقال سریع آنها از یک قالب تصویری ظریف به دیگری، با همان اثر و قدرت تأثیر، پیوند می یابد تا همه را در یک زمینه، شعر شاعرانه ضمنی در این شعرها؛ به معنای دقیق تر: مرجع بینش و عمق حس زیبایی شناختی آن، همان چیزی است که در شعرهای صوفیانه خود، که از عطر و بوی، کاغذ دلالتها و جریان روان آن تنفس می کند، به هیجان خود دست می یابد و به نظر می رسد که در نظم شاعرانه قبلی، چشم انداز با توجه به گرما و لطف تصویر عرفانی در برجسته سازی و عشق به اوج رسیدن آن، [من در قلب شما پنهان می شوم و کشتی های سنگین او را در خواب می بینم]. بنابراین، تصاویر عرفانی مبتنی بر پویایی دلالتها، هماهنگی بینشها و تعامل دلالتهای مرتبط با آنها است و این همان چیزی است که به آنها تمایز، هیجان و ظرافت زیبایی می بخشد .

و شما را با شاخه های منی بپوشانید. /همانطور که روی بال ابرها پرواز می کنید

من عطر و بوی تو را در آغوش خواهم کشید، و ضد باد می پوشم،

برای محافظت از آنچه مرورایدهای نورانی شما به جهان می تابانند. " (۵۳)

همودر مقاله ای دیگر باعنوان «التبئير الجمالی فی تشکیل بنیة القصيدة عند بشري البستاني» در شرح

این شعر می نویسد:

"فی صوتک المربک بالحیره كأصابع الزمن /أفتح طرق الوقار، /وأشق مسالك العتمة، /لتنهمر
ینابیی تغسل صدأ المعارك الخاسرة / فی أعرق شعاب الروح، /فی صمتی الوثنی أكتشف أنک

آت، /فأفتحُ جنانی، /وَأَدْخَلَكَ قَاعَهُ الْعَرْشِ، /فَتَبِكِي الْغَزَالَاتُ، /وَتَسَابُ بِالنَّشْوَةِ الْغُصُونُ.. " (۱۷).
 "در صدای گنج و مبهوت شما به عنوان انگشتان زمان/من مسیرهای عزت را باز می‌کنم،/و سخت ترین مسیرهای تاریکی /بگذارید چشمه‌های من زنگ زدگی در نبردها را از بین ببرد/در عمیق ترین رشته‌های روح./در سکوت بت پرستانه من متوجه می‌شوم که می‌آیی،/و او باغهای من را باز کرد،/و تو را به سالن تخت می‌آورم،/سپس زنان گوزن گریه می‌کنند،/شاخه‌ها از طریق وجد سرازیر خواهند شد ... "

در اینجا، شاعر صحنه‌ها و تصاویر شاعرانه را بر اساس تکنیک (تمرکز زیبایی شناختی) بنا می‌کند که متکی به صحنه‌های شفاف عرفانی است تا از طریق شکل‌گیری‌های زبانی که با پژواک احساساتش سرریز می‌شود و در به تصویر کشیدن شرایط با احساس او و احساس سوزش شادی، اشتیاق و صبر موثر است، به اوج احساسات و تهدید معنوی برسد. حالت اشتیاق معنوی که او از آن رنج می‌برد، باعث شده فرهنگ لغت زبانی - او - سرشار از تصاویری باشد که نشانگر عمق وضعیت و قدرت بازنمایی زیبایی شناختی آن است، به شکل گفته‌های او: [سخت ترین مسیرهای تاریکی - در عمیق ترین رشته‌های روح / در سکوت بت پرستانه من متوجه می‌شوم که تو می‌آیی].
 ؛ این نشان می‌دهد که محرک‌های شعری یا محرک‌های رویدادی شاعرانه، چشم انداز را قله‌ای در آفرینش و صبر معنوی قرار می‌دهند که شاعر را در لحظه شکل‌گیری و آفرینش شاعرانه در اختیار دارد. این ما را به یک حقیقت کاملاً مشخص رهنمون می‌کند، این است که تمرکز زیبایی شناختی - در اشعار او متمرکز بر رویداد فصیح و تصویر فصیح در اهمیت آن است، که عمق دید شاعرانه را از هسته بیان می‌کند، بنابراین تمرکز زبانی در قلب کانون معنایی است و تمرکز معنایی در قلب تمرکز بصری است، که نشان می‌دهد در تعامل همه ریتم‌های شعری در ایجاد الگوهای فصیح، چشم اندازهای عمیق با مفاهیم و دیدگاه‌های شاعرانه آنها که با ظرافت، حساسیت و ارزش زیبایی شناختی در قالب بیان و محتوای آن سرریز می‌شوند.

۴. درون مایه‌های عرفانی ودینی در اشعار طاهره صفارزاده

۴-۱) عشق و محبت

صفارزاده در بسیاری جاهای شعرش، فراق و فریب و تنهایی در عشق است. این یأس و ناامیدی در حقیقت تشویق به عشق و محبت برای هموعان است. حال چه در فضای عشق مجازی تعبیر شود یا عشق حقیقی. در شعر «شب زندگی» به وضوح می‌توان چهره‌ی مأیوس و شکست‌خورده شاعر عاشق و تنها را مشاهده کرد:

آسیمه سر ز بستر شبهای دیریا

رفتم که تا به دیده کشم صبح خویش را
نیش سیاه یأس به جان می‌خلید و من
نوشم نبود تا که برد درد نیش را (صفازاده، ۱۳۹۱: ۴۷)
همچنین در شعر «آشیان‌پرست» این‌چنین به فراق خود از معشوق را بیان کرده است:
هشدار

او مرغ آشیانه پرست است و عاقبت
یک روز بی‌خبر
پر می‌کشد به جانب شهر و دیار خویش
و در شعر رها جدایی عاشق از معشوق را نشان می‌دهد
رها منم، رها منم
زمهر او جدا منم
چو تار دل گسسته شد
زپود آن یار (همان، ۵۰)

در شعر دفاع مقدس، شاعران با برشمردن مقام والای شهیدان به ارزش شهادت در مکتب انسان
ساز اسلام تاکید می‌کنند. طاهره صفارزاده در ابیات ذیل، با توصیف فاجعه جنگ و سوگ سرایی به
ستایش شهیدان می‌پردازد و در عین حال به مقاومت در برابر دشمن دعوت می‌کند:

امروز آن پرندگان شهید
هم زنده اند
هم شاهد
و میهمان خداوندند
به رزق و روری پاک
در غرفه‌های غربت و خرسندی
و این ستمکاران
تجار اسلحه و تنهایی
دژخیم سلسله ذونواس
خورد و خوراکشان
خبر خون است
خون محاصره شدگان

مظلومان

این فاجعه

در شعر و عکس و قصه نمی‌گنجد (صفارزاده؛ ۱۳۸۴: ۴۳)

شاعر در ابیات ذیل، شهیدان را بنا کننده بهشت می‌داند:

نهر غسل کجاست

نهر شیر

نهر زلال آب

اینان با نهر جاری رگها

با خاک استخوان

در کاسه‌های چشم

بهشت را

آن گونه ساختند

که از گذشت زمانه زیان خواهد دید

و این زمان

و این سیاه نامه

مثل همیشه

طوق گردن تاریخ است (صفارزاده؛ ۱۳۵۷: ۴۴)

وی در جای دیگر، شهیدان را دارای صفات الهی می‌داند که همیشه بیدارند؛ نه چرت می‌زنند و

نه می‌خوانند. در واقع شاعر در ابیات ذیل به آیه ۲۵۵ سوره بقره اشاره می‌کند.

شما شهیدان همیشه بیدارید

صفت او را دارید

نه چرت می‌زند

و نه می‌خوابد

بیداری اش نگهبان زمین است

و اینگونه است

که من همیشه از بیداری می‌گویم (صفارزاده؛ ۱۳۵۷: ۷۵)

شاعر جای دیگر دثر ستایش شهید می‌گوید:

سلام بر تو

سلام بر تو
سلام بر تو
که بیداری
و آن که بیدار است
برمی خیزد
به عاشورا می پیوندد
و آنکه می پیوندد
رها می شود
هم در زمین
هم در زمان
هم اکنون
هم بعد از این
همیشه هست (همان: ۴۸)

صفرزاده در ابیات ذیل، گل را نماد شهید آورده و شهادت را نیز کمال انسان دانسته و متأثر از آداب و رسوم اجتماعی، شهیدان را با گل مرتبط ساخته است:

آب و گل تن تو شکوفه خواهد داد
و سلسله گل همیشه منتظر رحمتی است
که هیچ نمی داند کی می آید
گاه منتظر فصل نیست (صفرزاده؛ ۱۳۶۶: ۴۰)

صفرزاده در ابیات ذیل، بانگه کاملاً عارفانه شهادت را نهایت وصل با ناپیدا دانسته و می گوید:

تو در نهایت وصلی با ناپیدا
و در نهایت مهری با ما
و دست ما را گرفته ای
و می کشانی با خود
از مرز تفرقه
تردید به مرکز همه بودنها
به قسط
به آزادی

به قبله همگانی (صفارزاده؛ ۱۳۸۶: ۷۵)

صفارزاده در جای دیگر می‌گوید:

تو هم شهیدی

شاهدی

شهادت داده ای

بهشت منتظر توست (صفارزاده؛ ۱۳۶۶، ۵۴)

تفکر شهادت در ابیات ذیل، سراسر شعر صفارزاده را فرا گرفته و به راحتی به ذهن خواننده

انتقال می‌یابد:

از راه خاک آمده ای

از راه خون

از ابتدای روز جدال

از ابتدای جادهٔ تابوت

اینجا بهشت است

بهشت زهرا

درخت‌های باغ دوباره چوب شدند

تابوت شدند

تابوتها گل داده‌اند

شکوفه داده‌اند

گل‌های بی کفن و غسل (صفارزاده؛ ۱۳۶۶: ۲۹)

۵. نتیجه‌گیری:

صوفیه به عنوان یک مکتب به طور عموم و تصوف اسلامی و ایرانی به طور خصوص در پی رسیدن به سعادت‌مندی و کمال، گام‌های موثری برداشته‌اند. آن چه در سیمای تصوف ایرانی و اسلامی دیده می‌شود، از یک طرف زبان و بیان صوفیه است که در غنای زبان و ادب فارسی تأثیرات مثبت و فراوانی گذاشته است که در جای خود قابل بحث است. نگاهی به تاریخ و ادبیات گذشتهٔ ایرانی، نشان می‌دهد که در راستای انسان شناسی، بزرگان ما، نظریات مهمی در زمان‌های مختلف ارائه داده‌اند. شعر فارسی (به ویژه عرفانی) به عنوان آیین تمام نمای جامعهٔ ایرانی، ما را با تاریخ و فرهنگ گذشته‌ی خویش آشنا می‌سازد. ادبیات یکی از گونه‌های هنر است و عرفان هم خود گونه‌ای دیگر از هنر است و به تعبیر شفیعی کدکنی "رنگ هنری الاهیات است" (شفیعی کدکنی، و

شعر صفارزاده این دو ویژگی هنری را در بالاترین مرتبه بلاغت و هنر منعکس کرده و اندیشه‌ها و عواطف خویش را در قالب مناسب‌ترین و زیباترین کلمات و عبارات بیان نموده است. از بررسی تطبیقی پایداری در اشعار بشری البستانی و طاهره صفارزاده بر می‌آید که عرفان، یکی از عرصه‌های مهم ادبیات است. تأثیری که بشری البستانی و طاهره صفارزاده به جا گذاشته‌اند، باعث شده تا اشعارشان، به وادی فراموشی سپرده نشود. مهمترین نتایجی را که در بررسی شعر اشعار بشری البستانی و طاهره صفارزاده حاصل شد، عبارتند از:

بشری البستانی و طاهره صفارزاده هر دو جزء شاعرانی هستند که از جهت زمانی به یکدیگر نزدیک بوده و هم عصر یکدیگر می‌باشند. این دو شاعر در بسیاری از مفاهیم شعری همچون: عشق و محبت، ستایش شهید و شهادت و استفاده از تناسق قرآنی با یکدیگر اشتراک شعری و مفهومی دارند.

مهم‌ترین نمودهای عرفانی بشری البستانی در کتاب الوجد انعکاس یافته و با زبان رمزی عارفان اسلامی بسیار شباهت دارد. نمودهای عرفانی صفارزاده پراکنده و جزو احوال عرفانی محسوب می‌شود. زبان عرفانی منسجم.

بشری البستانی و طاهره صفارزاده درون مایه‌های عرفانی رادراشعارشان به زیبایی منعکس کرده‌اند.

بشری البستانی و طاهره صفارزاده در اشعار پایداریشان به موضوع عرفان پرداخته در عین حال شاعر، لحن خود را به صورت اعتراض و انتقادگونه از نظام حاکم بیان می‌کنند و اینگونه مردم را به پایداری در برابر خفقان فرا می‌خوانند.

شهادت طلبی از جمله مفاهیمی است که در شعر هر دو شاعر جلوه‌های ویژه‌ای یافته است، و این مؤلفه در شعر طاهره صفارزاده بطور ملموس تری دیده می‌شود. درنگ عرفانی در شعر صفارزاده ملموس تر است.

بشری البستانی و طاهره صفارزاده در اشعار پایداریشان، از آیات قرآنی استفاده می‌کنند و این امر حاکی از آنست که این دو شاعر با اعتقادات ناب اسلامیشان مردم را به مبارزه و مقاومت علیه ظالمان فرا می‌خوانند.

مضامین و درون مایه‌های آزادی فکری، دعا، رجا، پیامبراسوه کمال و... در اوج زیبایی و هنرمندانه قابل تأمل است.

- ۱- آرمین، منیژه، (۱۳۸۳ش:)، «پیوندان جاوید: تأملی در شعر طاهره صفارزاده»، فصلنامه شعر، شماره ۳۷.
- ۲- البستانی، بشری، (۲۰۱۱م:)، کتاب الوجد، دارالشر.المركزالرئیسى.
- ۳- -----، (۱۹۷۶م:)، الأغنیة و السکین، بغداد، وزارة الثقافة.
- ۴- -----، (۱۹۷۸م:)، أنا و الأسوار، بغداد، منشورات جامعة موصل.
- ۵- انصاری، قاسم، (۱۳۷۵)، مبانی عرفان و تصوف، نشر طهوری، تهران.
- ۶- حسین زاده بولاقی، شهربانو، (۱۳۸۷ش:)، بررسی شعر بانوان در ادبیات معاصر، شیراز، انتشارات نوید.
- ۷- حقوقی، محمد، (۱۳۵۰ش:)، طنین شعر دیگر، شعر و شاعران، تهران، انتشارات آگاه.
- ۸- رفیعی، محمدعلی، (۱۳۸۶ش:)، بیدارگری در علم و هنر، شناختنامه طاهره صفارزاده، تهران، انتشارات هنر بیداری.
- ۹- زرقانی، مهدی، (۱۳۸۳ش:)، یک الگو برای بررسی زبان شعر، نشریه مطالعات و تحقیقات ادبی، شماره ۵
- ۱۰- سجادی، سید ضیاء الدین، (۱۳۷۹)، مقدمه ای بر مبانی عرفان و تصوف، تهران: نشر سمت.
- ۱۱- صفارزاده، طاهره، (۱۳۴۹ش:)، طنین در دلنا، تهران، امیرکبیر.
- ۱۲- -----، (۱۳۸۴ش:)، روشنگران راه، تهران، انتشارات برگ زیتون.
- ۱۳- -----، (۱۳۹۱ش:)، مجموعه اشعار طاهره صفارزاده، تهران، انتشارات پارس کتاب.
- ۱۴- عصام شرتح، (۲۰۲۰)، الرؤیا الجمالیة فی شعر بشری البستانی، العدد 5187: المصادف: الثلاثاء ۱۷ - ۱۱ - ۲۰۲۰م (صحيفة المثقف كاتسب سورى: ماجستير فى النقد الأدبى الحديث.) (موقع الشاعر: <https://bbustani.net>)
- ۱۵- -----، (۲۰۱۷)، التبثیر الجمالی فی تشکیل بنیة القصيدة عند بشری البستانی، الخميس ۲۳ أذر (مارس) ۲۰۱۷ (موقع الشاعر: <https://bbustani.net>)
- ۱۶- مجدی ممدوح، (۲۰۱۲)، «کتاب الوجد» لبشری البستانی... الاحتفاء بالاختلاف 11 2012/06/21 زیارة <https://www.alnaked-aliraqi.net/article/11264.php>
- ۱۷- میراحسان، میر احمد، (۱۳۸۵ش:)، سوفیای شیعی، فصلنامه شعر، صص ۳۲-۳۳. سایت های اینترنتی <http://eshtyak.ahlamontada.com> (الشاعرة السومریة انخدوانا شکسبیر الأدب)

A Study of Mystical Themes in Sustainability Literature in Tahereh Saffarzadeh's and Bashari Al-Bustani's Poetry

Behnam Fe'li¹, Enayatolah Fatehi nejhad², Latife Salamat bavil³

Abstract

Mysticism and Sufism are one of the Islamic schools that have their roots in Islam, have had many supporters throughout the history of Islam, and still own them, not only in thought but also in jihadist movements and stability and sometimes in the form of militant groups. In contemporary Persian and Arabic literature, the components and characteristics of mystical literature and stability in the poetry of Bashari Al-Bustani and Tahereh Saffarzadeh are important models in combining these two literary fields. Bashari Al-Bustani is a contemporary Iraqi poet. Tahereh Saffarzadeh is one of the contemporary Iranian poets who, as a revolutionary poet, has devoted a large part of her poems to the concepts of mystical literature. This research uses a descriptive-analytical method to study and analyze the mystical components in the poetry of poets of sustainable literature such as Bashari Al-Bustani and Tahereh Saffarzadeh.

Keywords: *Sustainability, Mysticism, Bashari Al-Bustani, Tahereh Saffarzadeh*

¹ Instructor, Arabic Language and Literature Department, Payam-e-Nour University, Tehran, Iran.

² Associate Professor, Arab Language and Literature, Islamic Azad University, Tehran markazi branch, Tehran, Iran. Corresponding Author. fatehieenayat@ymail.com

³ Assistant Professor, Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Tehran markazi branch, Tehran, Iran.